

# رسالة الهداية

(متن - ترجمه)



رسالة من السيد أحمد الحسن  
أجاب فيها سائلين من الأنصار  
أحمد الحسن  
\*www.almahdyyoon.org\*



إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع) العدد (50)

## رسالة الهداية

رسالة من السيد أحمد الحسن (ع)

أجاب فيها سائلين من الأنصار

الطبعة الثانية

1431هـ - 2010 م

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع)

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي :

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)



## هذا الكتيب :

عبارة عن رسالة وجهها وصي ورسول الإمام المهدي ( مكن الله له في الأرض ) السيد أحمد الحسن إلى أنصار مقتربين في أستراليا ... بعد أن بعثوا برسالة إلى يماني آل محمد السيد أحمد الحسن.

لهذا رأى أنصار الإمام المهدي أن الفائدة قائمة بنشر هذه الرسالة ؛ لأنها عامة الفائدة غير منحصرة بمن وجه السيد الرسالة إليهم ... وإتماماً للفائدة أرفقنا رسالة الأنصار في مقدمة هذا الكتيب ... هذا وقد أثبتناها بنصها دون زيادة أو نقصان ... وأسمينا هذا الكتيب بـ ( رسالة الهداية ) .

ونسأل الله أن يمنّ علينا بحفظ أوليائه ... ويمكن لسيدنا ومولانا في أرضه ... إنّه نعم المولى ونعم النصير ... وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين ... وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً .

## این کتاب :

عبارت از نامه ای است سرگشاده که سید احمد الحسن علیه السلام وصی ورسول امام مهدی علیه السلام برای یاران (انصار) نزدیک اش در استرالیا نوشتند؛ بعد از این که نامه ای، برای یمانی آل محمد سید احمد الحسن علیه السلام فرستاده بودند .

لذا برای استفاده ی همگان از علوم سید یمانی این متن مهم را در قالب این کتاب منتشر می کنیم، برای اتمام فایده نامه ی انصار را در مقدمه ی این کتابچه قرار دادیم... و متن آن را بدون هیچ کم و کاستی ثبت کردیم... و نام این کتاب را (نامه ی هدایت) گذاریم.

از خداوند متعال در خواست می کنیم که بر ما منت گذارد به حفظ اولیاءاش... و برای سید و مولای ما مکنّت و حکومت در زمین قرار دهد... بدرستی که او بهترین نعمت دهنده و بهترین یاری کننده است... و دعای آخر ما این است که ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است.

وصلی الله علی محمد وآل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً .

اللهم صلِّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

وبعد :

في الحقيقة لا أعرف من أين أبدأ وماذا أكتب ، فالكلام كثير جداً جداً ، ولكن ماذا أقول وماذا أعبر عبر هذه السطور القليلة ، وهذه الورقة ( الصامته ) ، ولكن سوف أبدأ مثل ما ( يكولون ) من الوسط .

إلى السيد أحمد الحسن ( حفظه الباري ) وصي ورسول الإمام الحجة بن الحسن ( أرواحنا لتزأب مقدمه الفداء وكل الفداء ) ..

سيدي الوصي : نحن اثنين ممن يعبدون الباري عز وجل ، ولا يعبدون أصنام المرجعية الساكنة عن الحق .

در ادامه:

در حقیقت نمی دانم از کجا شروع کنم وچه چیزی را بنویسم، چراکه سخن بسیار بسیار زیاد است، ولی چه چیزی را بگویم وچگونه تعبیرکنم به وسیله ی این چند سطرکم، واین برگه(صامت)، ولی در حد توان شروع خواهم کرد.به سیداحمدالحسن(خداوند او را نگهدار) وصی(جانشین) ورسول امام حجت بن الحسن(جانمان فدای خاک پایش وقریان اویم)

آقایم ای وصی: ما دوتا از کسانی هستیم که خدای مهربان عز وجل را عبادت می کنیم، وبت های مرجعیت ساکت از حق را عبادت نمی کنیم.

والآن ، وبعد أن منّ الله تعالى علينا على يد الأخ حامل الرسالة ( أيده الله ) آمنا بك ، وأنتك حقاً وصدقاً وصي ورسول الإمام الحجة بن الحسن ( عليها السلام ) ، وإنّ من كذب بهذا وأنكر وصايتكم ورسالتكم سيدي هم فعلاً كافرون ، ومارقون عن الدين ، وسوف يكون خصمهم جدك رسول الله ، يوم لا تنفعهم كراسيهم ولا حواشيهم ، ولا الأموال الحرام التي أكلوها وبذروها على أمورهم الدنيوية ، فهؤلاء وأتباعهم الذين رأوا المعروف منكراً ، والمنكر معروفاً ( قاتلهم الله ) .

واکنون، بعد از اینکه خداوند متعال برما منت نهاد، بوسیله ی برادری که حامل نامه ات(خداوند او را تاییدکند) بود به شما ایمان آوردیم، بدرستی شما بحق وصدق وصی ورسول امام حجت بن الحسن(علیها السلام) وبه درستی آقایم کسی که تکذیب کند این را(ولایت)، وانکار کند جانشینی و رسالت تان، آنها

اکنون کافراند، و از دین خروج کردند، و جدت رسول الله دشمن آنها خواهد بود، روزی که کرسی حکومت سودی برای آنها ندارد و نه اطرافیان (آشنایان) و نه اموال حرامی که خوردند و در امور دنیویشان خرج کردند. پس اینها و پیروانشان معروف را منکر دیدند و منکر را معروف .

**سیدی الوسی : أنا أحمد ... والأخ صادق ... نبایک و نعاهدک علی أنك حقاً و صدقاً وصی و رسول الإمام صاحب العصر والزمان الحجة بن الحسن (عجل الله فرجه) .**

ای سید(آقا) وصی: من احمد و برادرم صادق با شما بیعت می کنیم و با تو پیمان می بندیم که بر حق و صدق هستی و وصی و رسول امام صاحب العصر و الزمان الحجة بن الحسن(عجل الله فرجه).

**و علی أن نأتمر بأمرک و ننتهی عند نھیک ، وأن نفدیک بالغالی و النفیس و روحنا التي بین جنیننا .**

و براین هستیم که به امر تو عمل می کنیم و با نھی تو از عمل دست می کشیم و ارزشمندترین و گرانقدرترین چیزی که داریم برای تو قربانی می کنیم و آن همین جانی که دریدن داریم.

**وإن شاء الله نكون من المهدین لدول الحق الإلهی ، التي مهد لها أنبیاء الله ورسله . و الرسول محمد خاتم الأنبیاء والمرسلین ، وفداها الحسین الشهید بدمه الطاهر وأصحابه ، ونظروا لها العترة الطاهرة وتمنوها .**

و اگر خدا بخواهد ما را از زمینه سازان دولت حق الهی قرار دهد، حکومتی که انبیاء خدا و پیامبرانش برای آن تمهید کردند، و پیامبر محمد(ص) خاتم پیامبران و رسولان و حسین(ع) و یارانش باخون پاک اش در این راه فدا شدند و عترت پاک(ائمه و اطهار) به این راه نگرسیزند و آن را آرزو کردند.

**و علی کل حال ، الآن رهن الإشارة منك سیدی ، ومن الإمام القائم (عجل الله فرجه المبارك) . و نسأل الله تعالی أن تمنّ علينا بالدعاء لنا بالتوفیق والسداد ، وأن يجعلنا الله من أنصار الإمام المهدي (أرواحنا فداء) ، وأن نأخذ بثأر رسول الله وعلی و فاطمة والحسن والحسین ( والعباس والشهداء ) والأئمة جميعاً ممن ظلمهم وقاتلهم ورضي علی قوم قاتلوهم ، وأن نسر قلب الزهراء وأم البنین وزینب ورقية و آل الطاهرين .**

و به هر حال اکنون با یک اشاره از شما آقا، و از امام خاتم(عجل الله فرجه) و از خداوند متعال می خواهیم که بر ما منت بگذارید و برای موفقیت ما دعا کنید، و خداوند ما را از یاران امام مهدی(اروحنا الفدا) قرار دهد، و انتقام خون رسول خدا(ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین(و عباس و شهدا) و تمام ائمه

از کسانی که به آنها ظلم کردند و آنها را کشتند و از قومی که بر قتل آنها رضایت دادند را بگیریم، و تا قلب زهرا(ع) و ام البنین وزینب و رقیه و خاندان پاکشان را خوشحال کنیم.

عذراً سيدي الوصي إن أخذنا من وقتك الغالي ، وعذراً أيضاً لسوء الخط ، وعذراً أيضاً إني شككت فيك أنا وزوجتي ولو لوهلة من الزمن ، وأقسم عليك بجدتك الزهراء أن تسامحنا وتطلب لنا من الله الغفور الرحيم المغفرة والسماح .

ای سید وصی مرا ببخش که وقت گرانمای شما را گرفتیم، وهم چنین مرا ببخش به خاطر بد خطی، و هم چنین مرا ببخش که من و همسر از این که به مدت کمی از زمان به شما شک کردیم، و به مادر بزرگ ات زهرا(ع) قسمت می دهیم که ما را ببخش و از خداوند غفور و رحیم، غفران و بخش طلب کنی.

( العذر عن كرام الناس مقبول ) ، فأتتم سيدي أهل الكرم .

(بخشش از بزرگان است) پس ای آقای من، تو اهل کرم و بخشش هستی.

ونسأل العلي القدير أن يبعد عنك والأنصار شر كل سوء ومكروه ، وشر كل من يريدكم بسوء من أمثال ... ..

واز خداوند متعال و قادر می خواهیم که از شما و انصار شر هر مکروه را دور کند و شر هر کسی که نظر سوء و بدی به شما دارد مانند.

والقائمة تطول بمن هم أهل السوء والمكروه ، ومن أكل أموال الناس بالباطل ، ومن لم يوحدوا الأمة لا في صلاة ولا صيام ولا عيد ولا ... ولا ...

و لیست کسانی که اهل سوء و مکروه اند بسیار زیادند، و کسانی که مال مردم را به باطل خوردند و کسانی که وحدت مردم در نماز و روزه و عید و ... از بین می برند.

فقط وحدوها على وجوب طاعة الشيطان ، وانتخاب الشيطان ، وعبادة الشيطان ، والابتعاد عن القرآن والعتره الطاهرة ، الذين أحلوا حراماً وحرّموا حلالاً ( لعنهم الله ) ، ومرة أخرى عذراً سيدي على الإطالة .

فقط در اطاعت واجب از شیطان و انتخاب شیطان، و عبادت شیطان و دوری از قرآن و ائمه اطهار وحدت ایجاد کردند، کسانی که حلال کردند حرم را، و حرام کردند حلال را(لعنت خداوند بر آنها باد)، و بار دیگر ای آقای من مرا ببخش به خاطر طولانی شدن کلامم.



## وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين أن هدانا لهذا الطريق الحق والمبارك بملائكة السماء

ودر آخر دعا می کنیم که ستایش مخصوص خداست. خدایی که ما را به راه حق و مبارک بوسیله فرشتگان آسمان هدایت کردند.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أحمد ... صادق

أستراليا

وأرجو أن تفضل علينا بالدعاء الخاص بالتوفيق والسداد لنصرة من تبثش به ملائكة السماء ، من جده وصل إلى قاب قوسين أو أدنى ، الإمام المهدي الحجة بن الحسن (أرواحنا لتراب مقدمه الفداء) .

و از شما می خواهیم که برای ما دعای مخصوص بکنید برای موفق شدن در یاری امام مهدی حجت ابن الحسن (اروحنا لتراب مقدمه الفداء) کسی که فرشتگان آسمان از جدش بشارت او را شنیدند، همانا جدش کسی که به قاب قوسین یا نزدیک تر رسید.

## رد السيد أحمد الحسن

والحمد لله رب العالمين

وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

ليرى أحدكم الله في كل شيء ، ومع كل شيء ، وبعد كل شيء ، وقبل كل شيء ، حتى يعرف الله ، وينكشف عنه الغطاء ، فيرى الأشياء كلها بالله ، فلا تعد عندكم الآثار هي الدالة على المؤثر سبحانه ، بل هو الدال على الآثار .

خدا را باید در همه چیز ببینید، و با همه چیز، و بعد از همه چیز و قبل از همه چیز، تا این که خدا را بشناسید، و پرده برداشته شده، پس همه چیز را به وسیله خدا می بینید، پس وقایع و آثار دلیل بر موثر سبحان نمی تواند باشد، بلکه او(الله) دلیل بر آثار است..

قال الإمام الحسين: ( إلهي ترددي في الآثار يوجب بعد المزار ، فاجعني عليك بخدمة توصلني إليك ، كيف يستدل عليك بما هو في وجوده مفقود إليك ، أيكون لغيرك من الظهور ما ليس لك حتى يكون هو المظهر لك ، متى غبت حتى تحتاج إلى دليل يدل عليك ، ومتى بعدت حتى تكون الآثار هي التي توصل إليك ، عميت عين لا تراك عليها رقيباً ، وخسرت صفقة عبد لم تجعل له من حبك نصيباً ... ) .

امام حسین(ع)گفت: (خدایا تردیدم در آثار وجودت لازم می شود بعد از دیدارت، پس مرا بسوی خودت بخوان که با خدمت به تو برسم به تو، چگونه بر تو دلیل و برهان می شود در حال که او در جودش به تونیازمند است، آیا می شود که برای تو مایه بیان و روشنی باشد در حالی که او نمی تواند دلیل بر وجودت، ظاهرها باشد، چه زمانی غایب بودی که برای اثبات وجوداحتیاج به دلیل است، چه زمانی دور بودی که وقایع و اتفاقات بتواند باعث وصول به تو باشد، کور باد چشمی که تو را نبیند و نداند که تو بر آن نگهبان و آن را می بینی، و اعمال بنده در زیان و نابودی است هنگامی که در دلش محبت تو را ندارد.....)<sup>(1)</sup>

اغسلوا الطين عن أعينكم وأذانكم حتى تروا الله ، وتسمعوا الله وهو يكلمكم حتى في الحجر ...

گلی که گوش و چشم شما را بسته، بشوئید تا خدا را ببینید، و کلام خداوند را بشنوید او با شما سخن می گوید هنگامی که در آغوشش باشید [به او نزدیکی بجوید] .

لا تركنوا إلى الجهال الذين يسمون أنفسهم علماء ، فمئلوا أذانكم وأعينكم بالطين ، ويشدوكم إلى هذا العالم المادي الزائل وما فيه من زخرف .

گوش به حرف نادانان ندهید در حالی که خود را عالم و دانا می شمارند، چرا نادانان گوش و چشم شما را با گل پر می کنند، شما را به این جهان مادی زائل و زیبایی های آن تشویق و ترغیب می کنند.

لا تسمعوا كلامهم ، فهم لا يرون أيدئهم ... وهذا العالم الزائل مبلغهم من العلم .

گوش به حرف آنها ندهید، زیرا که آنها به جزء همدستان خود و این عالم مادی فنا پذیر چیز دیگری را نمی بینند.

لا تركنوا إليهم وهم يكفرون بالرؤيا ، وهي الطريق إلى ملكوت السموات .

از آنها پیروی نکنید و در حالی که آنها نسبت به رویای صادق کفر می ورزند، در حالی که رویای صادق راهی است بسوی ملکوت آسمان ها.

انظروا في ملكوت السموات ، واسمعوا من ملكوت السموات ، وآمنوا بملكوت السموات فهو الحق الذي آمن به الأنبياء والأوصياء ، وكفر به العلماء غير العاملين الذين حاربوا الأنبياء والأوصياء في كل زمان .

به ملکوت نگاه کنید، به ملکوت آسمان ها گوش کنید، و به ملکوت ایمان بیاورید، این حق و حقیقتی است که پیامبران و اوصیاء به آن ایمان آوردند، و دانشمندان غیر عامل، کسانی که با پیامبران و اوصیاء هر زمان جنگیدند بدان کفر و رزیدند.

وها هم في آخر الزمان يحسبون ، ويحتسبون أمريكا وديمقراطيتها وانتخاباتها ، ولا يحسبون لله حساباً : ﴿ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴾ .

آنها تمایل عجیبی به، امریکا و دمکراسی (آزادی) آن و انتخابات دارند فکرو حساب های زیادی برای این امور مادی باز می کنند، ولی برای خداوند حسابی بازمی کنند:

(مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ)<sup>(2)</sup> (خدا را آن گونه که باید بشناسند نشناختند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!)

ولا يحتسبون الله وحاكيتته وتنصيبه لخليفته سبحانه وتعالى ، فأمسوا صورة للرجال الأكبر أمريكا ، كما أن الأنبياء والأوصياء صورة لله سبحانه وتعالى .

برای خداوند سبحان و متعال و حاکمیت او و انتخاب خلیفه اش ارزشی قائل نشدند، پس (علمای غیر عامل) پیش قراول و نماینده ای برای امریکای حیلہ گرهستند، همان طوری که پیامبر و اوصیاء اش نماینده ی خداوند سبحان و متعال اند.

اقرأوا القرآن ، وتدبروا القرآن وقصص الأنبياء والأوصياء خلفاء الله في أرضه ، والأمة الغابرة التي كذبتهم ، وقادة تلك الأمم من العلماء غير العاملين ، ثم ارجعوا إلى أنفسكم وانظروا هل تعدى صاحب الحق سيرة ومسيرة وسنة الأنبياء والأوصياء ؟ وهل أخطأ أعداؤه من العلماء غير العاملين سيرة ومسيرة وسنة أعداء الأنبياء والأوصياء ؟

قرآن را بخوانید و در آن تدبر و تفکر کنید و داستان پیامبران و اوصیاء که جانشینان خداوند در زمین هستند، و امت های گذشته که آنها را تکذیب کردند، رهبران آن امت های گذشته همان علمای غیرعامل بودند . پس به خودتان بنگرید و از خود بپرسید، آیا صاحب حق در سلوک راه و مسیرش از سنت پیامبران و اوصیاء دور شده است؟ و آیا [می توان گفت] دشمنان حق در پیروی از علمای غیر عامل اشتباه نموده اند؟

والله ما قلت إلا ما قال آباي الصالحون ، الذين أوصوا الناس بنصرتي ، وذكروني في وصاياهم ، نوح وإبراهيم وإسماعيل ومحمد وعلي والحسن والحسين والأئمة : ﴿ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴾

به خدا آنچه را گفتم غیر از گفته ی پدران نیکو کارم نیست، کسانی که مردم را به یاری من وصیت کردند، و در وصایایشان مرا به یاد آوردند، نوح و ابراهیم و اسماعیل و محمد(ص) و علی و حسن و حسین و ائمه(ع): ( وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ )<sup>(3)</sup> (او کلمه توحید را کلمه پاینده ای در نسلهای بعد از خود قرار داد، شاید به سوی خدا باز گردند!)

وما قال العلماء غير العاملين إلا ما قال نمرود وفرعون وأبو سفيان والوليد (لعنهم الله) .

<sup>2</sup> - حج:74.

<sup>3</sup> - زخرف : 28.

آنچه علمای غیر عامل گفتند، نمرود و فرعون و ابو سفیان و ولید (لعنهم الله) نیز گفته بودند. گفتند:

قَالُوا : ﴿ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴾<sup>(4)</sup> [فرعون] گفت واقعا این پیامبری که به سوی شما

فرستاده شده سخت دیوانه است

وقالوا : ﴿ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَى \* إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴾. وگفتند .... وان قول بشری بیش نیست

وقالوا : ﴿ أَأَلْفَى الذِّكْرَ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ ﴾<sup>(5)</sup> آیا از میان ما [وحی] بر او القا شده است

[نه] بلکه او دروغگویی گستاخ است

و ﴿ قَالُوا أَضْغَاثُ أَخْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأُولُونَ ﴾<sup>(6)</sup> (بلکه گفتند خوابهای

شوریده است [نه] بلکه آن را برافته بلکه او شاعری است پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد

باید برای ما نشانه‌ای بیاورد)

وقالوا ... وقالوا ... وگفتند:..... وگفتند...

﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَاهَتْ أَلْسِنُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا

الآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴾<sup>(7)</sup> (افراد نادان گفتند چرا خدا با ما سخن نمی گوید یا برای ما معجزه‌ای نمی آید کسانی

که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می گفتند دلها [و افکار]شان به هم می ماند ما

نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که یقین دارند نیک روشن گردانیده ایم)

جئت لأشهد للحق ، وأقول الحق ، ولدت لهذا ، وسأموت على هذا إن شاء الله .

آمدم که به حق شهادت دهم، حق را بگویم، به دنیا آمدم برای این، وکشته خواهم شد برای این اگر

خدا بخواهد.

أما أتم ، فإن أردتم أن تشهدوا للحق فاشهدوا ، ولكن إن وجدتم مرارته وثقله فاحمدوا الله على ما أنعم عليكم ، فإن

الحق ثقيل مرّ ، والباطل خفيف حلو .

<sup>4</sup> - شعراء : 27.

<sup>5</sup> - قمر: 25.

<sup>6</sup> - أنبياء : 5.

<sup>7</sup> - بقره: 118.

اما شما اگر خواستید برای حق شهادت بدهید پس شهادت بدهید، ولی اگر در این راه تلخی و سختی دچار شدید پس ستایش مخصوص خداوند بر نعمتی که بر ما بخشید، چراکه حق سخت و تلخ، و باطل آسان و شیرین .

واعلموا أنّ دعوتكم هي دعوة كل الأنبياء والأوصياء ، فاعملوا وكونوا شهداء على الناس ، كما أنّ الرسول شهيد عليكم ، وسيرى الله عملكم ورسوله والأنبياء والأوصياء والمؤمنون . واصبروا وصابروا وربطوا ، واحتجوا على أهل كل كتاب بكتابهم ، واحتجوا على أهل الإنجيل بإنجيلهم ، فقضيتكم مذكرة في إنجيلهم ليس إجمالاً ، بل بالتفصيل .

و بدانید که دعوت شما همان دعوت تمام پیامبران و اوصیاء(ع) است، پس عمل کنید و بر عمل مردم شاهد باشید، همانطوری که پیامبر بر عمل شما شاهد است، و عمل شما خداوند و پیامبرش و پیامبران و اوصیاء(ع) و مومنان خواهند دید، و صبر کنید و به صبر دعوت کنید و به هم پیوند دهید و بر اهل هر کتابی با کتاب آنها احتجاج کنید(حجت بیاورید) و بر اهل انجیل با انجیل آنها دلیل و حجت بیاورید، پس قضیه ی شما در انجیل آنها ذکر داد شده بود آن هم نه مختصر بلکه با تفصیل شرح داده شده است.

\* \* \*

في إنجيل يوحنا الإصحاح السادس عشر در انجيل يوحنا اصحاح شانز دهم

قال عيسى: ( وأما الآن فأنا ماضي للذي أرسلني ، وليس أحد منكم يسألني أين تمضي ، ولكن لأني قلت لكم هذا قد ملأ الحزن قلوبكم .

عیسی(ع)گفت: واما من الان می روم بسوی کسی که مرا فرستاده است، و کسی از شما از من نپرسید به کجای می روی، ولی این را به شما گفتم که غم و اندوه قلب شما را پر کرده است.

لكن أقول لكم الحق إنه خير لكم أن انطلق ؛ لأنه إن لم أنطلق لا يأتيكم المعزي ، ولكن إن ذهبت أرسله إليكم ، ومتى جاء ذاك يبكت العالم على خطيئة ، وعلى بر ، وعلى دينونة .

ولی حقیقت این است که اگر من بروم برای شماها بهتر است، زیرا که اگر نروم نجات دهنده(المعزی) بعد از من نخواهد آمد، اما اگر بروم برای تان می فرستم، و هنگامی که آمد جهان تقسیم می شود برگناه، و برنیکویی و بردین.

أما على خطيئة : ف ( لأنهم لا يؤمنون بي ) ، وأما على بر : ف ( لأني ذاهب إلى أبي ولا تروني أيضاً ) ، وأما على دينونة : ف ( لأن رئيس هذا العالم ) قد دين .

اما بر گناه:(زیرا به من ایمان ندارند) واما بر نیکویی:(زیرا من بسوی پدرم می روم و نیز مرا نمی بینند)، و اما بر دین:(زیرا رهبر این جهان نزدیک شده است).

إن لي أموراً كثيرة أيضاً لأقول لكم ، ولكن لا تستطيعون أن تحتملوا الآن ، وأما متى جاء ذاك ( روح الحق ) فهو يرشدكم إلى جميع الحق ؛ لأنه لا يتكلم من نفسه ، بل كل ما يسمع يتكلم به ) .

امور زیادی دارم که برای شماها بگویم، ولی حالا تحمل شنیدن آنها را ندارید، ولی وقتی که اومی آید(روح خدا) پس شما را ارشاد و هدایت می کند برای تمام حقیقت ها، زیرا او از خودش این کلام ها را نمی گوید، بلکه آنچه را که می شنود از آن سخن می گوید.

فهذا عيسى يبشر بي في الإنجيل الذي يعترفون به ويقرونه .

پس این عیسی(ع) به من بشارت می دهد در انجیلی که به آن اعتراف می کنند و آن را می خوانند.

\*\*\*

## وفي إنجيل متي الإصحاح الرابع والعشرون و در انجيل متي اصحاح چهار دهم

قال عيسى: ( لذلك كونوا أتم أيضاً مستعدين ؛ لأنه في ساعة لا تظنون يأتي ابن الإنسان ، فمن هو العبد الأمين الحكيم الذي أقامه سيده على خدمه ليعطيهم الطعام في حينه ، طوبى لذلك العبد الذي إذا جاء سيده يجده يفعل هكذا . الحق أقول لكم إنه يقيمه على جميع أمواله ) .

عيسى(ع)گفت: (برای آن نیز شما آماده و مستعد باشید، زیرا در یک زمانی که گمان نمی کنید فرزند آدم خواهد آمد، پس چه کسی بنده ی امین و حکیم، که آقا او را به خدمت انتخاب کرده تا غذا(روح) را در وقت اش به آنها دهد، خوش به حال آن بنده ای هنگامی که آقايش آمد از اوچنين کاری ببیند. حقيقت رابه شما می گویم که او را بر تمام اموال اش قيم ومسئول کرده است).

## ولا أعتقد أن هذه النصوص تحتاج إلى عناء لفهمها ومعرفة رسول الإمام المهدي وعيسى ، ويوجد غيرها .

ومعتقدم که فهمیدن این متن ها بسیار بدیهی و آسان است و احتیاج به تفهیم ندارد وهمچنین شناختن رسول امام مهدی(ع) وعیسی(ع). متون دیگری غیر از این یافت می شوند.

أرشدوهم إلى قراءة رؤيا يوحنا اللاهوتي ، فهي تفصّل هذه الدعوة وتبينها لهم إن كانوا يطلبون الحق ويطلبون نصره عيسى .

## وهذه بعض النصوص من رؤيا يوحنا اللاهوتي تبين الحق وصاحب الحق .

برای رسیدن به اطلاعات بیشتر به خواندن رویای یوحنا لاهوتی<sup>(8)</sup> توصیه می کنیم، پس آن(رویا) این دعوت را توضیح می دهد و اگر طالب حق باشند آن(دعوت) را برای آنها آشکار می کند و طالب پیروزی عیسی(ع) باشند. واین هم بعضی از متون، از رویای یوحنا لاهوتی صاحب حق وحق را آشکار و روشن می کند.

\*\*\*



### في الإصحاح الرابع در اصحاب چهارم

( 1 بعد هذا نظرت وإذا باب مفتوح في السماء والصوت الأول الذي سمعته كبوق يتكلم معي قائلاً : اصعد إلى هنا فأريك ما لا بد أن يصير بعد هذا . 2 ولوقت صرت في الروح وإذا عرش موضوع في السماء وعلى العرش جالس . 3 وكان الجالس في المنظر شبه حجر اليشب والعقيق وقوس قزح حول العرش في المنظر شبه الزمرد . 4 وحول العرش أربعة وعشرون عرشاً . ورأيت على العروش أربعة وعشرين شيخاً جالسين متسرلين بثياب بيض وعلى رؤوسهم أكلیل من ذهب . 5 ومن العرش يخرج بروق وعود وأصوات ... ) .

(1- بعد از این نگاه کردم ودر این هنگامی دری در آسمان باز شد و صدای اول که شنیدم همانندیک بوق بامن این چنین سخن می گفت: اینجا بیا بالا که من که چیزهایی نشانت بدهم که بعد از این ناچار روی خواهد . 2- و برای زمانی در روح شدم وعرش درآسمان قرار داده شده و روی عرش نشسته بود. 3- ودر محل دید نشسته بود، و شبیه سنگ یاقوت و عقیق و رنگین کمان اطراف عرش دردید شبیه زمرد بود. 4- ودر اطراف عرش بیست وچهار عرش قرار دارد. و دیدم روی عرش ها بیست وچهار پادشاه نشسته بودند و لباس های سفید پوشیده بودند و روی سرشان تاج هایی از طلاست. 5- واز عرش رعد و برق و صدا هایی خارج می شد....)

\*\*\*

### وفي الإصحاح الخامس ودر اصحاب پنجم

( 1 ورأيت على يمين الجالس على العرش سفراً مكتوباً من داخل ومن وراء مختوماً بسبعة ختموم . 2 ورأيت ملاكاً قوياً ينادي بصوت عظيم من هو مستحق أن يفتح السفر ويفك ختمومه . 3 فلم يستطع أحد في السماء ولا على الأرض ولا تحت الأرض أن يفتح السفر ولا أن ينظر إليه . 4 فصرت أنا أبكي كثيراً لأنه لم يوجد أحد مستحقاً أن يفتح السفر ويقراه ولا أن ينظر إليه . 5 فقال لي واحد من الشيوخ لا تبك . هو ذا قد غلب الأسد الذي من سبط ههوذا أصل داود ليفتح السفر ويفك ختمومه السبعة . 6 ورأيت فإذا في وسط العرش والحيوانات الأربعة وفي وسط الشيوخ خروف قائم كأنه مذبح له سبعة قرون وسبع أعين هي سبعة أرواح الله المرسله إلى كل الأرض . 7 فأتى وأخذ السفر من يمين الجالس على العرش . 8 ولما أخذ السفر خرت الأربعة الحيوانات والأربعة والعشرون شيخاً أمام الخروف ولهم كل واحد قيثارات وجامات من ذهب مملوءة بخوراً هي صلوات القديسين . 9 وهم يترنمون ترنيمة جديدة قائلين مستحق أنت أن تأخذ السفر وتفتح ختمومه لأنك ذبحت واشتريتنا لله بدمك من كل قبيلة ولسان وشعب وأمة . 10 وجعلتنا لإلهنا ملوكاً وكهنة فسنملك على الأرض . 11 ونظرت وسمعت صوت ملائكة كثيرين حول العرش

والحيوانات والشيوخ وكان عددهم ريوات ريوات وألوف ألوف . 12 قائلين بصوت عظيم مستحق هو الخروف المذبوح أن يأخذ القدرة والغنى والحكمة والقوة والكرامة والمجد والبركة . 13 وكل خليفة مما في السماء وعلى الأرض وتحت الأرض وما على البحر كل ما فيها سمعتها قائلة . للجالس على العرش وللخروف البركة والكرامة والمجد والسلطان إلى أبد الأبدین . 14 وكانت الحيوانات الأربعة تقول آمين . والشيوخ الأربعة والعشرون خروا وسجدوا للحي إلى أبد الأبدین ) .

7- سپس آمد و کتاب را از دست کسی که روی عرش نشسته بود گرفت. 8- وهنگامی که کتاب را گرفت، چهار حیوان بیست وچهار پادشاه جلوی گوسفند سجده کردند و برای گیتارها و جام هایی از طلا که از عطر پوشیده اند که همان صلوات قدیسین است 9- آنها باهم و ردوترنم جدیدی می خواندند، تو استحقاق این را داری که کتاب را ببری و مهرهای آن را بازکنی، زیرا که تو قربانی شده ای فقط برای خدا ما را از هر قبیله و زبان و فرقه و امت باخون خود خریدی. 10- وما را برای خدا پادشاه وکاهن قرار دادی، پس روی زمین پادشاهی می کنیم. 11- ونگاه کردم وصدای فرشتگان زیادی در اطراف عرش و حیوانات و پادشاهان شنیدم و تعداد آنها انبوه انبوه و هزارتا هزارتا بود. 12- با صدای عظیمی می گفتند که استحقاق این را دارد که گوسفند نر قربانی شده، قدرت و ثروت و حکمت و قوت و کرامت و مبارکی را ببرد. 13- و شنیدیم که همه مخلوقات چه در آسمان و روی زمین و زیر آن و روی دریا و هرچه در آن، به کسی که روی عرش نشسته وگوسفند نرمی گفتند، مبارکی و کرامت و مجد و سلطنت تا ابدویی نهایت برای ات باشد. 14- و آن چهار حیوان آمین می گفتند. و آن بیست وچهار پادشاه روی زمین افتادند و سجده کردند، برای کسی که همیشه زنده و تا ابد و بی نهایت است.

\*\*\*

## وفي الإصحاح الرابع عشر ودر اصحاح چهاردهم

( ثم نظرت وإذا خروف واقف على جبل صهيون ومعه مائة وأربعة وأربعون ألفاً لهم اسم أبيه مكتوباً على جباههم ... ) .

(سپس نگاه کردم ودر این هنگام گوسفند نر را روی کوه صیهون ایستاده [دیدم] که همراه او یکصد وچهل و چهار هزار که بر روی پیشانی آنها اسم پدرش نوشته شده است.)

فمن هو الذي يجمع أنصار أبيه غير أول المؤمنين من ذرية الإمام المهدي ؟ !!!

ومن هم الشيوخ الأربعة والعشرون غير الأئمة الاثني عشر والمهديين الاثني عشر ؟ !!!

ومن هو الأسد الذي من سبط مهوذا أصل داود والذي يفتح السفر ، ويفك ختومه غير الأسد الذي كرم مع علي في خيبر واحد وحنين وبدر ... ؟ !!!

پس چه کسی غیر از اولین مومن از نسل امام مهدی(ع) انصار پدرش را گردهم می آورد؟

وچه کسانی آن بیست وچهار پادشاه، غیر از آن دوازده ائمه ودوازده مهدی؟

وچه کسی آن شیری که از فرزندان یهوذا واز اصل داوود وکسی که کتاب را باز می کند و مهرهای آن را می گشاید؟

غیر از شیری که با علی(ع) حمله کرد درخیبر وحنین واحد وبدر.....

وهو من سبط مهوذا ؛ لأن أمه من بني إسرائيل ( نرجس ) أم الإمام المهدي.

ومن هو الخروف الذي وصف بأنه ( خروف قائم كأنه مذبح ) وهو يحمل سبعة قرون وسبعة أعين ، هم المعصومون الأربعة عشر محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة . غير المهدي الأول والياني رسول الإمام المهدي ورسول عيسى ؟ !!!

و اوست از فرزندان یهوذا، زیرا مادرش از بنی اسرائیل(نرجس) مادر امام مهدی(ع). و چه کسی

گوسفندنرشد به اینکه(گوسفندنرقائم گویا ذبح شده)و او دارای هفت شاخ وهفت چشم است.آنهاهمان چهارده

معصوم محمد و علی وفاطمه وحسن وحسین وائمه(ع).غیراز مهدی اول ویمانی رسول امام مهدی ورسول عیسی(ع).

### وفي رؤيا يوحنا الإصحاح السابع عشر ودر رويای يوحنا اصحاب هفدهم

( ... 12 والعشرة القرون التي رأيت هي عشرة ملوك ، لم يأخذوا ملكاً بعد لكنهم يأخذون سلطانهم ، كلوك ساعة واحدة مع الوحش . 13 هؤلاء لهم رأي واحد ، ويعطون الوحش قدرتهم وسلطانهم . 14 هؤلاء سيحاربون الخروف ، والخروف يغلبهم ، لأنه رب الأرباب ، وملك الملوك ، والذين معه مدعوون ومختارون ومؤمنون ... ) .

(...12-آن ده شاخی را که دیدم، آن ده پادشاه هستند، که ملکی نمی برند ولی به سلطنت می رسند، مثل پادشاهان که برای یک ساعت همراه وحش بودند.13-اینها دارای یک عقیده واحد هستند، و به وحش قدرت و سلطنت شان می دهند.14-اینها باگوسفندنر می جنگند، و گوسفندنر برآنها پیروز می شود، زیرا او خدای، خدایان است وپادشاه پادشاهان، وکسانی که همراه او یند کسانی که دعوت شدند و انتخاب شدند ومومن اند).

\* \* \*

## وفي الإصحاح الثامن عشر ودر اصحاح هجدهم

( 1 ثم بعد هذا رأيت ملاكاً آخر نازلاً من السماء له سلطان عظيم واستنارت الأرض من بهائه . 2 وصرخ بشدة بصوت عظيم قائلاً سقطت سقطت بابل العظيمة وصارت مسكناً للشياطين ومحرساً لكل روح نجس ومحرساً لكل طائر نجس وممقوت ( أي الطائرات الحربية الأمريكية ) . 3 لأنه من خمر غضب زناها قد شرب جميع الأمم وملوك الأرض زنوا معها وتجار الأرض استغنوا من وفرة نعمها . 4 ثم سمعت صوتاً آخر من السماء قائلاً اخرجوا منها يا شعبي لئلا تشتركوا في خطاياها ولئلا تأخذوا من ضرباتها . 5 لأن خطاياها لحقت السماء وتذكر الله آثامها . 6 جازوها كما هي أيضاً جازتكم وضاعفوا لها ضعفاً نظير أعمالها . في الكأس التي مزجت فيها امزجوا لها ضعفاً . 7 بقدر ما مجدت نفسها وتنعمت بقدر ذلك أعطوها عذاباً وحرزاً . لأنها تقول في قلبها أنا جالسة ملكة ، ولست أرملة ولن أرى حزنأ . 8 من أجل ذلك في يوم واحد ستأتي ضرباتها موت وحزن وجوع وتحترق بالنار لأن الرب الإله الذي يدينها قوي . 9 وسيديك وينوح عليها ملوك الأرض الذين زنوا وتنعموا معها حينما ينظرون دخان حريقها . 10 واقفين من بعيد لأجل خوف عذابها قائلين ويل ويل . المدينة العظيمة بابل المدينة القوية . لأنه في ساعة واحدة جاءت دينوتك . 11 ويبيكي تجار الأرض وينوحون عليها لأن بضائعهم لا يشتريها أحد في ما بعد . 12 بضائع من الذهب والفضة والحجر الكريم واللؤلؤ واللبز والأرجوان والحرير والقرمز وكل عود ثمين ، وكل إناء من العاج ، وكل إناء من أثن الخشب والنحاس والحديد والمرمر . 13 وقرفة وبخوراً وطيباً ولباناً وخمراً وزيتاً وسميداً وحنطة ومهائم وغنماً وخيلاً ومركبات وأجساداً ونفوس الناس . 14 وذهب عنك جنى شهوة نفسك ، وذهب عنك كل ما هو مشحم وبهي ، ولن تجديه في ما بعد . 15 تجار هذه الأشياء الذين استغنوا منها سيقفون من بعيد من أجل خوف عذابها سيكون وينوحون 16 ويقولون ويل ويل . المدينة العظيمة المتسريلة ببز وأرجوان وقرمز والمتحلية بذهب وحجر كريم ولؤلؤ . 17 لأنه في ساعة واحدة خرب غنى مثل هذا . وكل ريان وكل الجماعة في السفن والملاحون وجميع عمال البحر وقفوا من بعيد . 18 وصرخوا إذ نظروا دخان حريقها قائلين أية مدينة مثل المدينة العظيمة . 19 وألقوا تراباً على رؤوسهم وصرخوا باكين ونائحين قائلين ويل ويل . المدينة العظيمة التي فيها استغنى جميع الذين لهم سفن في البحر من نفائسها لأنها في ساعة واحدة خربت . 20 إفرحي لها أيتها السماء والرسول القديسون والأنبياء لأن الرب قد دأبها دينوتكم 21 ورفع ملاك واحد قوي حجراً كرحى عظيمة ورماه في البحر قائلاً هكذا بدفع سترمي بابل المدينة العظيمة ، ولن توجد في ما بعد . 22 وصوت الضاربين بالقيثارة والمغنين والمزميرين والنائحين بالبوق لن يسمع فيك في ما بعد . وكل صانع صناعة لن يوجد فيك في ما بعد . وصوت رحى لن يسمع فيك في ما بعد . 23 ونور سراج لن يضىء فيك في ما بعد . وصوت عريس وعروس لن يسمع فيك في ما بعد . لأن تجارك كانوا عظماء الأرض . إذ بسحرك ضلت جميع الأمم . 24 وفيها وجد دم أنبياء وقديسين وجميع من قتل على الأرض ) .

(1- سپس بعد از این پادشاه دیگری دیدم که از آسمان نازل شد که قدرت عظیمی داشت و از نورانیت

اش زمین نورانی شد . 2- با صدای بسیار شدیدی و فریاد زد و گفت: بابل پر عظمت سقوط کرد، سقوط

کرد، و مسکن برای شیاطین شد و از هر روح نجسی پاسداری می کند و از هر پرنده نجسی و ممقوت (یعنی هوا پیمان های جنگی آمریکایی) پاسداری می کند. 3- زیرا که آن از شراب غضب است که زنا کرده و تمام امت ها از آن نوشیدند و پادشاهان زمین با آن زنا کردند و تاجران زمین از وفور نعمت اش مستغنی شدند. 4- سپس صدای دیگر از آسمان شنیدم می گفت: ای امت من از آن خارج شوید تا در گناه های آن شریک نشوند و تا از طرف آن به شما ضربه ای نرسد. 5- چرا که گناهان آن به آسمان رسید و خداوند به گناهانش تذکر داد. 6- به آن بچشایند همانطوری که آن به شما چشانیده است و اعمال خود را متضاعف کنید همانطوری که آن متضاعف کرده است. در جام شرابی که می نوشد شراب آن را چند برابر کنید. 7- به اندازه ای که نفس خود را تمجید کرد و نعمت داد به همان اندازه عذاب و حزن به آن بدهید. چرا که آن در قلب اش می گوید، من نشسته ام و یک پادشاه هستم، بیوه نسیتم و غم و اندوه ای نمی بینم. 8- و به خاطر همین در یک روز ضربه های آن مرگ و خون و گرسنگی به دنبال دارد و در آتش می سوزند، زیرا که خدایی که با آن مقابل می کند، بسیار قدرتمند است. 9- و گریه وزاری خواهند کرد برآن [بابل] پادشاهان زمین، کسانی که زنا کردند و بوسیله آن به نعمت رسیدند، هنگامی که آتش و دود و سوختن آن را می بینند. 10- ایستاده بودند، به خاطر ترس از عذاب های آن می گفتند: وای وای، شهر عظیم بابل، شهر قدرتمند، چرا در یک ساعت نابودی ات آمد. 11- و تاجران زمین گریه می کردند و آه و ناله برآن [بابل] می کردند زیرا از این به بعد کسی وسایل شان را نمی خورد. 12- وسایل شان از طلا و نقره و سنگ های قیمتی و مروارید و پارچه و لباس بنفشی پارچه های حریر و سرخ و عود های معطرو ظروف هایی از جنس عاج و ظروفی از چوب های گران قیمت و برنز و آهن و سنگ مرمر. 13- دارچین عود بخور و عطر و لیبیات و شراب و روغن و کره و گندم و چهار پایان و گوسفندان و آب ها و مرکبات و اجساد و روح انسان ها. 14- و آن شهوت نفسی که داری از دستت رفت و هر آنچه را که چربی داشتی و در آن بود از دست دادی، و آن را بعد از این نمی توانی بیابی. 15- تاجران این اشیاء کسانی هستند که از آن غنی شدند و دور ایستادند از ترس عذاب های آن [بابل] و گریه و ناله می کنند. 16- می گویند وای بر، وای بر، شهر عظیمی که پوشید شده بوسیله لباس و پارچه های نیلی و قرمز و زینت داده شده به طلا و سنگ های قیمتی و مروارید. 17- چرا که در یک ساعت تمام ثروت مثل این از بین رفت، و هر نا خدا و تمام جمعی که در کشتی و دریا نوردان و تمام ملو انان دریا از دو رایستاده بودند. 18- و فریاد زدند هنگامی که دود سوختن آن را مشاهده کردند و می گفتند کدام شهر می تواند مثل این شهر عظیم باشد. 19- و

کسانی که در آن شهر عظیم ثروتمند شدند و صاحب کشتی در دریا از آن هستند، خاک بر سر خود می ریختند و با صدای بلند گریه می کردند و با آه و ناله می گفتند: وای، وای، چرا که در یک ساعت تمام آنها از بین رفت. 20- ای آسمان ها و رسولان مقدس و پیامبران بر آن شاد باشید، زیرا که خداوند آن چیزی که برای آن تلاش کرده اید نزدیک کرده است. 21- یکی از ملائک قدرتمند یک سنگی که مانند سنگ آسیاب است، بلند کرد. و دریا انداخت و گفت این چنین است که با دفع (آب) شهر عظیم بابل مورد هدف قرار می گیرد و بعد از این پیدا نمی شود. 22- و صدای کسانی که بر گیتار ضربه می زنند و آواز خوانان و نوازندگان فلوت ونی و آلهایی که در بوق می دمند، بعد از این شنیده نمی شود و صدای سنگ آسیاب بعد از این در شهر شنیده نمی شود. 23- و نور درخشان از این به بعد در (بابل) رو شنایی نمی دهد. و صدای داماد و عروس از این به بعد در تو شنیده نمی شود. چرا که تاجران تو از بزرگان زمین بودند . چرا که بوسیله سحر تمام امت ها گمراه شدند. 24- و در آن خون پیامبران و قدیسان پیدا شد و تمام کسانی که روی زمین اند را به قتل رسیدند).

وبابل تشير إلى العراق ؛ لأنّ بابل كانت عاصمة العراق في ذلك الزمن ، فكل الملامح والفتن تجري في العراق وعلى أرض العراق .

وخراب بغداد ذكروه بالرايات التي تأتيا من دول العالم وبالفتن .

و بابل اشاره ای است به عراق، زیرا پایتخت عراق در آن زمان بود. پس همه ی جنگ ها و فتنه ها در عراق و روی سرزمین عراق اتفاق می افتند. و ویرانی بغداد را یاد کردند (ع) بوسیله ی پرچم هایی که از حکومت های جهان می آید و همراه با فتنه انگیزی .

قال الصادق عن بغداد : ( ... في لعنة الله وسخطه تخرمها الفتن ، وتركها جماء ، فالويل لها ولن لها ، كل الويل من الرايات الصفر ورايات المغرب ومن يجلب الجزيرة ، ومن الرايات التي تسير إليها من كل قريب أو بعيد .

والله لينزلنّ لها من صنوف العذاب ما نزل بسائر الأمم المتمرده من أول الدهر إلى آخره ، ولينزلنّ لها من العذاب ما لا عين رأت ولا أذن سمعت بمثله ، ولا يكون طوفان أهلها إلا بالسيف ، فالويل لمن اتخذ لها مسكناً فان المقيم لها يبقى لشقائه ، والخارج منها برحمة الله .



والله ليبقى من أهلها في الدنيا حتى يقال : إنها هي الدنيا ، وإن دورها وقصورها هي الجنة ، وإن بناتها هنّ الحور العين ، وإن ولداتها هم الولدان ، وليظنن أنّ الله لم يقسم رزق العباد إلاّ لها ، وليظهنّ فيها من الإفتراء على الله وعلى رسوله ، والحكم بغير كتابه ، ومن شهادات الزور ، وشرب الخمر و [ إتيان ] الفجور ، وأكل السحت ، وسفك الدماء ، ما لا يكون في الدنيا كلها إلاّ دونه ، ثم ليخرها الله بتلك الفتن وتلك الرايات ، حتى ليمر عليها المار فيقول : ههنا كانت الزوراء )

امام صادق(ع) درباره ی بغداد گفت: (.... [بغداد] مورد لعنت خدا و خشم اوست، فتنه ها آن را خراب می کنند و بسیاری آن را ترک می کنند، پس وای بر آن ویرکسانی که در آن، همه ی ویل ها از پرچم های زرد، پرچم های مغرب، و پرچم هایی که از الجزیره واز پرچم هایی که از دور و نزدیک به سمت آن می آیند. به خدا قسم از انواع عذاب ها در آن نازل می شود، همچون سایرامت های متمرّد از اول روزگار تا آخر آن نازل می شود، عذابی بر آن نازل می شود که نه چشمی تا به حال آن دیده و نه گوشی مانند آن شنیده باشد و طوفانی اهلش را بر می گیرد که جزء شمشیر نیست، پس وای بر کسی که در آن مسکن بگیرد، پس کسی که در آن اقامت کند، دچار بیچارگی و بدبختی می شود، و کسی که از آن خارج شود، رحمت خداوند شامل او می شود.

و به خدا قسم از اهلش در دنیا باقی می گذارد، حتی می گوید: آن [بغداد] همان دنیاست، و قصرهایش همان بهشت است، و دخترانش همان حور العین اند، و اطفالش همان اطفال اند، و گمان می کنند که خداوند روزی و رزق بندگان را تقسیم نمی کند مگر بوسیله آن. و در آن افتراء بر خداوند و رسول اش(صلی علیه وآله) آشکار می شود، و به غیر از کتاب او حکم می کنند، و شهادت های زوری، نوشیدن مشروب، ظلم و ستم، خوردن مال حرام و خونریزی که در هیچ کجای دنیا مثل آن پیدا نمی شود. سپس خداوند بوسیله همان فتنه ها و آن پرچم ها [بغداد را] ویران می کند، تا اینکه عابر بر آن عبور می کند، پس می گوید: این جاست قبلاً بغداد بوده است)<sup>(1)</sup>

\* \* \*



### وفي الإصحاح التاسع عشر ودر اصحاح نوزدهم

( ... 7 لنفرح وتتهلل ونعطه المجد لأنّ عرس الخروف قد جاء وامراته هيأت نفسها . 8 وأعطيت أن تلبس بزاً ثقياً هيمياً لأنّ البز هو تبررات القديسين . 9 وقال لي أكتب طوبى للمدعوين إلى عشاء عرس الخروف . وقال هذه هي أقوال الله الصادقة ... 11 ثم رأيت السماء مفتوحة وإذا فرس أبيض والجالس عليه يدعى أميناً وصادقاً وبالعدل يحكم ويحارب . 12 وعيناه كلهيب نار وعلى رأسه تيجان كثيرة وله اسم مكتوب ليس أحد يعرفه إلا هو . 13 وهو متسربل بثوب مغموس بدم ويدعى اسمه كلمة الله . 14 والأجناد الذين في السماء كانوا يتبعونه على خيل بيض لابسين بزاً أبيض وثقياً . 15 ومن فمه يخرج سيف ماض ... ) .

(...7- شاد باشيم وتهليل كنيم ومجد و بزرگی را به او بدهيم، زیرا گوسفند نر عروسی کرد وبه تحقيق خواهد آمد و همسرش خود را برای او مهيا کرده است. 8- وبه او لباس پاک ودر خشانی داده شدکه بپوشد، زیرا این لباس طلائی قدیسن است. 9- وبه من گفت بنویس، خوشا به حال کسانی که برای صرف شام به عروسی گوسفند نر دعوت شدند. وگفت این همان گفته ی صادق خداوند است. 11- سپس دیدم آسمان باز شد و در این هنگام اسب سفید ویکي برآن سوار بود که ادعا می کند، او امین وصادق است وباعدل حکومت می کند ومی جنگند. 12- وچشمانش مانند لهیب آتش وروی سرش تاج های زیادی و برای او اسمی نوشته شده که کسی غیر از اوآن را نمی شناسد. 13- و او لباسی پوشیده بود که به خون آغشته شده وادعا می کندکه اسم او کلمه ی خداست. 14- و سربازانی که در آسمان به دنبال او بودند، بر روی اسبان سفید که لباس های سفید وپاکی پوشیده بودند. 15- واز دهانش شمشیر برنده ای خارج می شد.....))

( ... 7 لنفرح وتتهلل ونعطه المجد لأنّ عرس الخروف قد جاء وامراته هيأت نفسها . 8 وأعطيت أن تلبس بزاً ثقياً هيمياً لأنّ البز هو تبررات القديسين 9 وقال لي أكتب طوبى للمدعوين إلى عشاء عرس الخروف . وقال هذه هي أقوال الله الصادقة ..... ) .

(...7- شاد باشيم وتهليل كنيم ومجد وبزرگی را به او بدهيم، زیرا گوسفند نر عروسی کرد وبه تحقيق خواهد آمد و همسرش خود را برای او مهيا کرده است. 8- وبه او لباس پاک ودر خشانی داده شد که بپوشد، زیرا این لباس طلائی قدیسن است. 9- وبه من گفت بنویس، خوشا به حال کسانی که برای صرف شام به عروسی گوسفند نر دعوت شدند. وگفت این همان گفته ی صادق خداوند است...)

### والمدعوون إلى عشاء عرس الخروف هم : ( أنصار المهدي الأول الجاني ) .

دعوت شدگان برای صرف شام عروسی گوسفند نرآنها ( انصار مهدی اول، یمانی ) هستند

( ثم رأيت السماء مفتوحة وإذا فرس أبيض والجالس عليه يدعى أميناً وصادقاً وبالعدل يحكم ويحارب . 12 وعيناه كلهيب نار وعلى رأسه تيجان كثيرة وله اسم مكتوب ليس أحد يعرفه إلا هو . 13 وهو متسريل بثوب مغموس بدم ويدعى اسمه كلمة الله ..... ) .

(...سپس دیدم آسمان باز شد و در این هنگام اسب سفید و یکی برآن سوار بود که ادعا می کند، او امین وصادق است و با عدل حکومت می کند و می جنگند. 12- وچشمانش مانند لهیب آتش وروی سرش تاج های زیادی و برای او اسمی نوشته شده که کسی غیر از اوآن را نمی شناسد. 13- و او لباسی پوشیده بود که به خون آغشته شده وادعا می کندکه اسم او کلمه ی خداست...)

### وهذا الذي يركب الفرس في هذه الرؤيا هو المهدي الأول الجاني .

این کسی که سوار اسب در این رویاست، همان مهدی اول یمانی است.

\* \* \*

## وفي الإصحاح الحادي والعشرون در اصحاب بيست ويكم

( ... وقال لي اكتب فإن هذه الأقوال صادقة وأمنية . 6 ثم قال لي قد تم . أنا هو الألف والياء البداية والنهاية . أنا أعطي العطشان من ينبوع ماء الحياة مجاناً . 7 من يغلب يرث كل شئ وأكون له إلهاً وهو يكون لي ابناً ... ) .

(...وبه من گفت بنویس، زیرا که این گفته ها دارای صداقت وامنیت است.6- سپس به من گفت به تحقیق کامل شد، من همان الف و یای، بدایت ونهایت هستم. من تشنه را از سرچشمه ی آب حیات بجانی سیراب می کنم. 7- کسی که پیروز شود، هر چیزی را به ارث می برد، و برای او خدا می شوم و او برای من فرزندی می شود...)

والألف والياء ، والبداية والنهاية هو : الإمام المهدي ، والذي يغلب هو نفسه الأسد الذي يغلب في أول الرؤيا ، وهو المهدي الأول واليائي .

والأمر يطول إذا أردتم استقصاء النصوص فهي كثيرة جداً ، لا ينكرها ويحرفها ، وينكرني إلا أهل الباطل وطلاب الباطل ( لعنهم الله ) .

امام مهدی(ع) الف و یاء وآغاز و نهایت است، و او همان شیری که در اول رویا پیروزی شود و او مهدی اول و یمانی است.

و این طولانی می شود، هنگامی که بخواهید در متونی که بسیار زیاداند آن را بیابید. کسی نمی تواند منکران[ولایت] شود و آن را تحریف کند و کسانی منکرمن می شوند که اهل باطل و دانشجویان باطل اند(لعنت خدا بر آنها باد).

أطيعوا الله وسيروا إلى الله ، وانظروا في ملكوت السماوات ، واسمعوا من ملكوت السماوات ، اغسلوا الطين وطهروا أنفسكم واسمعوا الله فهو يتكلم مع الناس في كل شي منذ زمن بعيد ، ولكن الناس لا يسمعون : ﴿ ... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا ... ﴾ .

خدا را اطاعت کنید و بسوی خدا حرکت کنید و در ملکوت آسمان ها بشنوید، گل را بشوئید و نفس خود را پاک کنید و به خداوند گوش کنید، پس او با مردم سخن می گوید درباره ی هر چیز از زمان های بسیار دور ولی مردم نمی شنوند: ( ... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا

يَسْمَعُونَ بِهَا ... )<sup>(9)</sup>. (آنها دلها [عقلها] بی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی بینند؛ و گوشهایی که با آن نمی شنوند؛ آنها همچون چهار پایانند؛ بلکه گمراهرتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند)!

اشهدوا بما تسمعون وترون في ملكوت السموات ، عَرَفُوا النَّاسَ بِالْحَقِّ ، وادعوا الناس إلى الحق ، وادعوا الجميع إلى المائدة التي نزلت من السماء ، فرما لن يحضر إليها من يظهرون أنهم يطيلون الصلاة والدعاء ، بل يحضر إليها الزناة وشاربو الخمر والخاطئون فيتوبوا إلى الله ، لهذا أنا بُعثت ، لإصلاح هؤلاء ، طوبى لهم إن تابوا وحضروا إلى مائدة عرس الخروف ، طوبى لمن لا يعثر بي .

به آنچه را که در ملکوت آسمان می شنوید و می بینید، شهادت بدهید. به مردم حق را معرفی کنید و مردم رابه حق دعوت کنید، وهمه رابه این سفره ای که از آسمان نازل شده دعوت کنید، پس ممکن است بعضی ها روی این سفره حاضر نمی شوند، آنهایی که به ظاهر نماز و دعای خود را طولانی می کنند. بلکه آنهایی روی این سفره حاضر می شوند که زناکار و شراب خوار و خطاکاران اند، پس بسوی خدا توبه کنید، برای همین من مبعوث شدم، برای اصلاح این ها [گناهکاران]. خوشا به حال آنهایی که توبه کردند و به سفره ی عروسی گوسفند نر حاضر شدند. خوشا به حال کسانی که به من شک وگمانی ولغزشی ندارند.

\* \* \*

## في إنجيل متى الإصحاح الثاني والعشرون در انجيل متى اصحاح بيست و دوم

( 1 وجعل يسوع يكلمهم أيضاً بأمثال قائلاً . 2 يشبه ملكوت السموات إنساناً ملكاً صنع عرساً لابنه . 3 وأرسل عبيده ليدعوا المدعويين إلى العرس فلم يريدوا أن يأتوا . 4 فأرسل أيضاً عبيداً آخرين قائلاً قولوا للمدعويين هو ذا غدائي أعددتهم . ثيراني ومسمناتي قد ذبحت وكل شئ معد . تعالوا إلى العرس . 5 ولكنهم تهاونوا ومضوا واحد إلى حقله وآخر إلى تجارته . 6 والباقيون أمسكوا عبيده وشتموهم وقتلوه . 7 فلما سمع الملك غضب وأرسل جنوده وأهلك أولئك القاتلين وأحرق مدينتهم . 8 ثم قال لعبيده أما العرس فمستعد وأما المدعوون فلم يكونوا مستحقين . 9 فاذهبوا إلى مفارق الطرق وكل من وجدتموه فادعوه إلى العرس . 10 فخرج أولئك العبيد إلى الطرق وجمعوا كل الذين وجدوهم أشراراً وصالحين . فامتلاء العرس من المتكئين . 11 فلما دخل الملك لينظر المتكئين رأى هناك إنساناً لم يكن لابساً لباس العرس . 12 فقال له يا صاحب كيف دخلت إلى هنا وليس عليك لباس العرس . فسكت . 13 حينئذ قال الملك للخدام اربطوا رجله ويديه وخنوه واطرحوه في الظلمة الخارجية . هناك يكون البكاء وصرير الأسنان . 14 لأن كثيرين يدعون وقليلين ينتخبون ... )

(1- وعيسى را قرار داد که با آنها سخن بگويد، با تشبيه گفت. 2- انسانی پادشاه شبیه به ملکوت آسمان ها، عروسی برای فرزندش درست کرده بود. 3- و بندگانش رافستاده کسانی که برای عروسی دعوت شدند را دعوت کنند، پس نمی خواستند بیایند. 4- پس بندگان دیگری نیز فرستاد، به آنها گفت که بگویند به کسانی که دعوت شدند، نهار را آماده کردم. گاوهای نر و حیوانات پرچرب را ذبح کردم وهر چیز آماده است، و برای عروسی بیایید. 5- ولی آنها [دعوت اورا] سبک شمردند و یکی به بهانه ی مزرعه اش و دیگری بخاطر تجارت اش ماندند. 6- وبقیه ی بندگان او را گرفتند و به آنها ناسزا گفتند وکشتند. 7- پس هنگامی که پادشاه شنید، غضبناک شد، سربازان اش را فرستاد و آن قاتلان را هلاک کرد و شهر آنها را به آتش کشید. 8- سپس به بندگانش گفت، اما عروسی آماده است، ولی کسانی که دعوت شدند، مستحق نبودند. 9- پس به جاهایی که راه ها از هم جدا می شوند، بروید. وهر کسی را که یافتید برای عروسی دعوت اش کنید. 10- پس آن بندگان بسوی [تقاطع] راه ها حرکت کردند، همه ی کسانی را که پیدا کردند، از اشرار و صالحین همه را جمع کردند، پس عروسی پرشد از آنهایی که تکیه کرده بودند. 11- پس هنگامی که پادشاه داخل شد و به آنهایی که تکیه کردند نگاه می کرد، دید که آنجا یک انسانی لباس عروسی را نپوشیده بود. 12- پس به او گفت ای دوست چگونه وارد اینجا شدی ولباس عروسی نداری، پس ساکت شد. 13- دراین هنگام پادشاه به خدمتکاران گفت، پاهو دست های او را ببندید و او را ببرید ودر تاریکی خارج قرار دهید. آنجاست که گریه می کنند وصدای بهم خوردن دندان هاست. 14- چرا که عده ی زیادی دعوت می شوند و عده ی کمی انتخاب می شوند... (10)

کثيرون من النصارى ينتظرون عيسى هذه الأيام ، ويعلمون أنها أيام عودته وأيام القيامة الصغرى ، فنبهوهم إن بعث عيسى كان في المشرق وكذلك عودته ، والرسول ( المعزى ) الذي أخبر عنه في الإنجيل ، وأن عيسى سيرسله سيكون في الشرق ، بل إن الملاحم في آخر الزمان ستكون في الشرق ، وفي العراق بالخصوص كما ذكرت رؤيا يوحنا ، وسمت العراق ( بابل العظيمة ) .

در این روزها عده زیادی از مسیحیان منتظر عیسی(ع) هستند و می دانند که این روزها بازگشت اوست و روز قیامت صغری است. پس آنها را بیدار کنید که بدرستی عیسی(ع) مبعوث شده است، در مشرق بود، و همچنین بازگشت او، ورسول(المعزی) کسی که در انجیل از او خبر داد و بدرستی که او عیسی را می فرستد، در مشرق خواهد بود، بلکه جنگ ها در آخر زمان در شرق و عراق خواهد بود، بخصوص همانطوری که من در رویای یوحنا یاد کردم و عراق را(بابل عظیم) نامید.

أخبروهم أنّ الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود قد غلب ليفتح السفر ويفك ختومه .

قال علي: ( ما من علم إلا وأنا أفتحه ، وما من سرّ إلا والقائم يختمه ).

به آنها خبر دهید که شیری که از فرزندان یهوذا اصل داوود به تحقیق پیروز شد تا کتاب را باز کند و مهرهای آن را باز کند.

علی(ع) گفت: هیچ علمی نیست مگر من آن را باز کنم و هیچ سری نیست مگر قائم آن را مهر کند.

\*\*\*

وفي رؤيا يوحنا الإصحاح الخامس ودر رویای یوحنا در اصحاح پنجم

( ... هو ذا قد غلب الأسد الذي من سبط يهوذا أصل داود ليفتح السفر ويفك ختومه السبعة . 6 ورأيت فإذا في وسط العرش والحيوانات الأربعة وفي وسط الشيوخ خروف قائم كأنه مذبح ... ) .

(... او به تحقیق پیروز است، شیری که از فرزندان یهوذا اصل داوود، تا کتاب را باز کند و هفت مهر آن را بگشاید. 6- و در این هنگام دیدم در وسط عرش و آن چهار حیوان و در میان پادشاهان گوسفند، گویا ذبح شده است...)

\*\*\*

## وفي الإصحاح السادس ودر اصحاح ششم

( 1 ونظرت لما فتح الخروف واحداً من الختوم السبعة وسمعت واحداً من الأربعة الحيوانات قائلاً كصوت رعد هلم وانظر . 2 فنظرت وإذا فرس أبيض والجالس عليه معه قوس وقد أعطي إكليلاً وخرج غالباً ولكي يغلب 3 ... ) .

(1- ونگاه کردم، هنگامی که گوسفند نریکی از هفت مهر را بازکرد و شنیدم یکی از آن چهار حیوان گفت ومانند صدای رعد مرا فراخواند وگفت، نگاه کن. 2- پس نگاه کردم ودر این هنگام اسب سفیدی که یک نفر دارای کمان بود، روی آن نشسته است و به تحقیق تاجی به اوداده می شود و پیروز خارج شده تا پیروز شود. 3-...)

أخبرهم أنّ ( الخروف القائم المذبح ) قد جاء ، فمن شاء أن يغسل ثيابه بدمه فليفعل ليطهر ويتقدس ، ويكون له نصيب في ملكوت السماوات وليرى في ملكوت السماوات .

به آنها خبر دهید که (گوسفند نر قائم ذبح شده) به تحقیق آمد، پس کسی که بخواهد لباس هایش را با خون او بشوید، پس باید عمل کند و تا پاک و طاهر و مقدس شود و تا برای اودر ملکوت آسمان ها نصیبی شود تا در ملکوت آسمان ها دیده شود.

المذنب المقصر

أحمد الحسن

ربيع الثاني / 1427 هـ . ق